اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**اصل بحث به اینجا رسید که احتمال دادیم بعضی از عباراتی که نجاشی در حق بعضی‌ها می‌گوید له کتاب الرجال مراد از رجال فهرست باشد نه رجالی که الان متعارف است ، طرق ایشان به اصحاب کتب باشد نه نام بردن از اشخاص یکی به نظر ما همین کتاب رجالی است که به حمید بن زیاد نسبت داده که شاهدش را عرض کردیم یکی هم کتاب رجالی است که به برقی نسبت داده به مناسبت نسبت این کتاب یک مقدار خارج شدیم که البته خوب خیلی تاثیر گذار است روی بحث‌های آینده به خاطر فهرست ابن بطة حالا من یک پیشنهادی هم می‌کنم اگر شما در موسسه‌ی کتاب شناسی این مقالاتی که می‌نویسند یک مقاله مانندی بشود یا یک کراس مانندی بشود یک دوره فهرست ابن بطة را بیاوریم به این معنا که در بالا کلام نجاشی پایین کلام شیخ ، مثلا بالا ممکن است خیلی جاها سفید باشد نجاشی اصلا نیاورده شیخ آورده است ، بنویسید خیلی لطیف است خیلی هم راحت است الان جمع کردنش خیلی آسان است تمام مواردی را که شیخ و نجاشی اسم ابن بطة را بردند تمام این موارد استخراج بشود فکر می‌کنم یک کراس 150 – 200 صفحه‌ای بشود ، یک مجموعه‌ی قشنگی است برای آشنایی با مصادر فهرستی شیعه در قرن چهارم خیلی به نظرم من تاثیر گذار است ، قرن سوم و چهارم ، چهارم یعنی خیلی تاثیر گذار است خیلی هم راحت است مخصوصا با این دستگاه‌ها دیگر یک صفحه‌ی واحد دائما نصف بالا برای نجاشی حتی اگر شاهد یعنی ظواهر نشان بدهد که اسماء کتب هم از کتاب ابن بطه گرفتند اسماء کتب کامل بیاید یعنی آن ترجمه‌ی شخص کامل بیاید .**

**مثلا ممکن است نجاشی برای ایشان 15 کتاب نسبت داده شیخ برای ایشان 12 تا نسبت داده است اسم‌های کتاب هم اختلاف داشته باشد شیخ یک جور اسم برده است ایشان یک جور اسم برده است تمام این نکات و این ظرافت‌ها مقایسه بشود خیلی این مطالبی را که من عرض کردم ارزشش پیدا می‌شود این مطلبی هم که ایشان می‌گویند اعتبار سنجی برای اعتبار سنجی هم خیلی تاثیر گذار است برای شناخت مصادر و اصالت مصادر هم خیلی تاثیر گذار است .**

**مثلا فرض کنید شیخ اسم نبرده اما نجاشی اسم برده مرحوم آقا بزرگ هم در الذریعة چون نجاشی اسم برده اسم می‌برد شما اضافه می‌کنید بله شیخ در همین ترجمه این را اسم نبرده است از همین ابن بطة نقل هم کرده این کتاب را اسم نبرده است . یعنی این آقایان مستشرقین خیال نکنند ما حواسمان پرت است همه‌اش افتادیم به تعبد و این چه گفت و آن چه گفت می‌توانیم کاملا اینها را بسنجیم با همدیگر مقایسه کنیم مقابله کنیم اسمائش عددش خصوصیاتش .**

**در همین صالح بن رزین چون نمی‌خواستم بخوانم در طریقی که شیخ دارد ، دارد احمد بن محمد بن عیسی عن ابن ابی عمیر حسن بن محبوب اما نجاشی ابن ابی عمیر ندارد به نظرم همین هم درست باشد احمد از حسن بن محبوب اصلا غیر از اینکه حالا آن گفته اصلٌ در خود طریق هم باید ، یعنی یک جور عجیبی این دو تا فهرست با همدیگر اصلا یک معمایی است که باید اگر همه‌اش جمع بشود شاید بتواند آدم به یک راهی به یک قرائن خارجی و قرائن جنبی و اینها مشکل تضاد و تهافتش را حل بکند این هم راجع به این بود .**

**به ذهن ما می‌آید فعلا چون به حسب ظاهر طریق نجاشی به فهرست ابن بطة طریق صحیحه‌ای است ایشان دو تا کتاب آورده است در کتاب شیخ یکی آمده است در فهرست ندیم هم یکی آمده اما ظاهرا همین درست باشد که دو تا باشد المناقب و الرجال ، المناقبش همین طبقات باشد که چاپ شده به اسم رجال یا بعدها طبقات و الرجالش هم فهرست باشد به ذهن من الان فعلا این طور می‌آید آن که در ذهن من الان قرار دارد فعلا این جوری است ، این راجع به این قسمت .**

**پس حق این است که این کتاب وجود داشته و شاهد خیلی قوی‌اش هم این است که در فهرست ابن بطة از برقی پسر خیلی نقل می‌کند احتمالا از کتاب ایشان باشد ، احتمالا از همین کتاب رجال یا فهرست ایشان باشد .**

**از موارد دیگری که باز این شبهه هست که این به حساب رجال به معنای فهرست باشد چون نوشتند این آقایانی که عرض کردم کتاب‌های رجالی قبل از شیخ و نجاشی یکی هم کتاب رجال به ابن فضال پدر ، این آقایان حالا دیگر شما فرمودید بعضی‌ها هم یک جلد کتاب نوشتند چه مقاله که نوشتند چه کتاب که نوشتند به ابن فضال پدر هم کتاب رجال نسبت دادند ، کتاب رجال به ابن فضال پسر هست نسبت داده شده الان هم مجموعه‌ی نقل‌هایی که در رجال کشی هست از ایشان چاپ بشود 15 صفحه 20 صفحه بشود یعنی الان می‌شود از کتاب کشی آنچه که از ابن فضال پسر چاپ شده و آمده جدا کرد می‌شود یک جزوه‌ای خودش رجال ابن فضال پسر که در قرن سوم بود ، 270 -80 بوده است این را می‌شود جدا کرد .**

**انما الکلام آیا این که در کتاب کشی هست این متن آن کتاب است یا چیز دیگری است این را شبهه داریم چون در کتاب کشی خیلی‌هایش به این صورت است قال العیاشی سالت ابن فضال بعید است کتاب ابن فضال شاید هم کتاب ابن فضال که می‌گویند در رجال سوالات عیاشی از ایشان است شاید هم نمی‌دانیم ، علی ای حال چون تعبیرش سالت مثلا ابن فضال عن عمرو بن خالد فقال ثقة مثلا ، این را نمی‌دانیم آیا در خود کتاب این بوده یا نه ، به هر حال آن که قدر متیقن است حالا این را هم شبهه داشته باشیم کتاب ابن فضال پسر اگر در اختیار ما نباشد معلومات رجالی ما به ایشان رسیده است مطالب رجالی ایشان به ما رسیده است .**

**یعنی این چه که الان در کتاب کشی هست یا خود کتاب ابن فضال است که این خوب ارزش دارد دیگر قرن سوم رجال ما در قرن سوم و یا معلومات رجالی است و اما معلومات فهرستی ما از ایشان نداریم بله ابن فضال پسر از خیلی چیزها نقل کرده انفراد هم دارد اگر بخواهیم شرح بدهم ان شاء الله در محل خودش شرح‌های خاص طرق ایشان با جای خودش حتی همین حدیث معروف قد اقبل الیکم شهر الله از انفرادهای ابن فضال پسر است که صدوق منفردا از ایشان نقل کرده است این جای دیگر نیامده است به این صورت یعنی شکل‌های دیگرش آمده این خطبه‌ی شعبانیه‌ی معروف به نقل ابن فضال پسر ، علی ای حال والتفصیل موکول الی محله .**

**اما ابن فضال پدر که مرد بسیار بزرگوار و با شخصیت و حتی گفته شده شیعه شده بعد از فطحیت برگشته آخر عمرش برگشته این را مثلا مرحوم شیخ کتاب رجال به ایشان نسبت نداده است نجاشی نسبت داده است ، این منشاء شده که الان عده‌ای نوشتند یکی از کتب رجالی قبل از شیخ ابن فضال پدر است از آنجا نوشتند ، این را از آنجا گرفتند .**

**یک آقایی هم که تازگی آمده بود و خیلی ادعای رجال و اینها داشت نوشته بود گفت نه آقا ابن فضال پدر هم دارد گفتم بابا ندارد گفت نه این در کتاب است گفتم بله دارد آن یک شرحی دارد ، اشاره‌ای کردم باور نکرد گفتم بیاور نجاشی را بیاور نگاه کن .**

**علی ای حال این را مرحوم نجاشی به ایشان نسبت داده است. عرض کنم حضور با سعادتتان ما فعلا از ابن فضال پدر نه کتاب رجالی داریم نه معلومات رجالی به خلاف پسر ایشان چیزی نداریم الان در اختیارمان آن وقت عبارت نجاشی را هم به نظر من اینها خوب دقت نکردند شما عبارت حسن بن علی بن فضال را بیاورید آقا البته این من در آن هفده ، هجده جلسه‌ای که اول سابقا صحبت کردم توضیح دادم این تقریبا تکرار آن توضیح است فلذا هم اجمالا نقل می‌کنم .**

**ابن فضال پدر را بیاورید خیلی مرد بزرگواری است به لحاظ بزرگواری و شخصیت معنوی به مراتب بر پسرش مقدم است به لحاظ علمیت و مصادر و اینها پسر خیلی قوی است علی خیلی قوی است فوق العاده است عیاشی می‌گوید کتابی از ائمه ندیدم الا نزد ایشان بود اصلا من در ناحیه‌ی کوفه و خراسان و عراق و نمی‌دانم اینها اعلم ، بالاتر از ایشان در حفظ میراث‌های اهل بیت ندیدم از ابن فضال پسر ، خیلی فوق العاده است مع ذلک قمی‌ها خیلی از او نقل نکردند و این را من برای اولین بار توضیحاتش را عرض کردیم صدوق که خیلی کم کلینی هم خیلی کم فوق العاده کم .**

**یکی از حضار : به خاطر همین بدبینی که داشت ؟**

**آیت الله مددی : به خاطر ، نه ما توضیح دادیم این زمانی که ابن فضال پسر بود ، نه بدبینی نه ایشان فطحی بود نه ، زمانی بود که میراث‌های عراق توسط بزرگان شیعه به قم رسیده بود مثل احمد اشعری و سعد بن ، دیگر نمی‌خواستند آثار فطحیه را ببینند احتیاجی نبود یعنی این آثار به آن ها رسیده بود این را چون ندیدم کسی تا حالا متنبه شده باشد اصلا دیگر احتیاج نبود کتاب‌ها چاپ شده بود فرض کنید یک وسائل چاپ بشود در لیبی شما یک وسائل چاپ قم هست دیگر نگاه نمی‌کنیم همانی که متعارف است یعنی آثار بسیار خوب و اینها هم بسیار شخصیت‌های بزرگی مثل احمد اشعری و اینها بسیار شخصیت‌های بزرگی هستند ، عرض کردم حدود 20 نفرند تقریبا با کم و زیادش آثار عراق را در قم و در همین فطحی لذا به آثار ابن فضال دیگر نگاه نمی‌کنند اما ابن فضال پدر جزو زمان‌هایی است که خودش تاثیر گذار است خود زمان حضرت جواد اوائل حضرت جواد فوت کرد زمان حضرت رضا بوده ایشان ، زمان موسی بن جعفر هم شاید درک کرده و مرد فوق العاده‌ای است ، اصلا دارد که حتی وقتی مشغول عبادت می‌شد وحوش می‌آمدند دور و برش می‌ایستادند وحوش صحرا انس با او پیدا می‌کردند یا اگر مشغول نماز بود این دزدهایی که هستند دزدهای بیابان تا نزدیکش می‌شدند فرار می‌کردند تا می‌دیدند ایشان مشغول نماز است ابن فضال را با آن حال خیلی چیزهای عجیبی را برای او نقل می‌کنند انصافا هم مرد فوق العاده‌ای است یعنی .**

**لذا هم عرض کردیم به طور فائده حالا یادتان باشد در کتاب کافی هر وقت گفت ابن فضال مرادش پدر است اشتباه نشود . در کتاب شیخ طوسی اگر ابن فضال اول سند بود مرادش پسر است بیشترین آثار ابن فضال پسر برای ما توسط شیخ طوسی رسیده است کلینی و شیخ صدوق زیاد نقل نکردند دقت کردید چه می‌خواهم بگویم ؟ کلینی و شیخ صدوق زیاد نقل نکردند دقت کردید روشن شد ؟**

**من دیشب یک توضیحی دادم این خیلی تاثیر گذار است نجاشی گفت یتساهل فی الحدیث ابن الولید گفت ضعیف نجاشی خواست اصطلاح اهل سنت را به کار ببرد ابن الولید می‌گوید اصطلاح را بگذار کنار ضعیف است به درد نمی‌خورد برداشته قرو قاطی کرده با هم دیگر وقتی قر و قاطی کرده دیگر ، یعنی ماها بیشتر رفتیم روی ارزش‌ها نه روی اصطلاحات روی اعتبارات اینکه ایشان می‌گوید اعتبار سنجی این اصلا دو تا نکته است دقت کردید ؟ دیدید یک عبارت واحد را برای شما خواندیم تا حالا شرحش را هم ، یتساهل اصطلاح محدثین بوده است ، مرحوم ابن الولید می‌گوید یتساهل چیست ؟ ایشان ضعیف است قبول نمی‌کنیم میراث ایشان را قبول نمی‌کنیم ، ایشان فرد ضعیفی است سند را به جای اجازه گرفته اجازه را به جای سند گرفته خوب قابل قبول نیست قابل اعتماد نیست .**

**حرف ایشان در کتاب شناسی نمی‌توانیم قبول کنیم این یک نکته‌ای است که در قم خیلی تاثیر گذار بود بغدادی‌های روی مصطلحات می‌رفتند قمی‌ها چون با اهل سنت محشور نبودند روی مصطلحات نمی‌رفتند قبول و طرح بود یا قبول کنند یا نکنند دقت کردید ؟**

**مرحوم شیخ طوسی چون کتب ابن فضال پسر در بغداد وجود داشت عرض کردم مرحوم شیخ طوسی در وقتی به بغداد آمد که شیعه در انفتاح بود در بغداد زمان آل بویه بود شیعه در انفتاح بود با انفتاح شیعه آثار شیعه را سنی‌ها می‌خواندند مثل زمان ما دیگر ، الان بعد از این در ایران جمهوری اسلامی خیلی آثار شیعه را سنی‌ها مطالعه کردند برای اینکه آشنا بشوند غربی‌ها خیلی آثار ما را نگاه کردند آثار شیعه در انفتاح بود چون در انفتاح بود می‌آمدند به شیخ طوسی می‌گفتند آقا شما می‌گویید مثلا فلان مطلب هست خوب این در کتاب حسین بن سعید حدیث هست این حدیث هم صحیح است چرا شما قبول نکردید لذا شیخ مجبور بود جمع بکند الجمع مهما امکن ، یعنی شیخ در یک محیطی ، اها روشن شد ، در یک محیطی بود که باید جواب می‌داد آن وقت کتب ابن فضال جزو کتب درجه‌ی یک بود ابن فضال پسر لذا ایشان آورده به عنوان اینکه ااگر معارض است جواب بدهد ، اما قمی‌ها به عنوان قبول می‌خواستند نگاه کنند ، معلوم شد اصلا دو تا دیدگاه بود به عنوان قبول همان مصدری را که ابن فضال پسر نقل می‌کرد احمد اشعری آورده بود یعقوب بن یزید آورده بود فلان آورده بود داشتند خودشان دیگر نیاز نداشتند به ابن فضال یعنی نکته‌ای نبود که بخواهند بیایند اینها را جمع بکنند و در محیط قم به اینها نمی‌آمد بگویند آقا این کتاب ابن فضال پسر است می‌گفتند این فطحی است من قبولش ندارم تمام شد دیگر این فقه فطحی هاست مورد قبول ما نیست .**

**اما این فقه فطحیه مورد قبول بود یعنی فقه قوی بود مخصوصا ابن فضال پسر لذا شیخ راهش غیر از راه کلینی است این را دقت می‌کنید اصلا این راه‌ها با همدیگر خیلی فرق می‌کند یعنی تفاوت راه ، شیخ مجبور بود از این کتاب‌ها بیاورد چون به او اشکال می‌کردند آقا این هست در این کتاب و معارض است شما این را چه جواب می‌دهید ؟ لذا ایشان شروع می‌کرد آن مطالب را جواب دادن .**

**پس بنابراین خوب دقت بکنید ما از ابن فضال پدر معلومات ، بخوانید حالا شما من گفتم مقدمات را**

**یکی از حضار : مدخل 72 نجاشی**

**آیت الله مددی : الحسن بن علی بن فضال**

**یکی از حضار : الحسن بن علی بن فضال کوفی یکنی ابا محمد کل مدخل را بخوانم ؟**

**آیت الله مددی : مولی تیم الله**

**یکی از حضار : ابن عمر بن ایمن مولی تیم الله لم یذکره ابو عمرو الکشی فی رجال ابی الحسن الاول**

**آیت الله مددی : معلوم می‌شود که موسی بن جعفر را هم درک کرده است این نجاشی دارد اغلاط کشی را می‌گوید تا حدود شاید 40 – 50 صفحه‌ی از اول نجاشی تقریبا من نگاه کردم ایشان اغلاط کشی را می‌گوید بعد دیگر نمی‌گوید رها می‌کند بعد دیگر دنبال کشی خیلی نمی‌افتد لم یذکره ابو عمرو الکشی فی اصحاب ابی الحسن مراد یعنی موسی بن جعفر .**

**علی ای حال یک نکته‌ی دیگر این حسن بن علی تیملی می‌نویسند تیمی هم می‌نویسند ، گاهی هم میثمی می‌نویسند میثمی غلط است تیمی درست است . آن وقت آن را تیمولی باید بخوانیم تیملی نه تیمولی چون تیم الله است . مثل این هست که اخبار زینبات نوشته است آقایان می‌خوانند عُبید علی این صحیحش عبیدلی است چون عبیدالله است ، عبیدلّی این باید با تشدید باشد آن وقت در اسماء مرکبه قاعده‌اش این است هم مثل عبد شمس نسبت هم به جزء اول نسبت می‌دهند یعنی عبدی نسبت الی عبد شمس هم به قسمتی از جزء اول و جزء دوم عبشمی ، عبد شمس را می‌گویند عبشمی یک کمی از جزء اول می‌گیرند**

**یکی از حضار : قمی‌ها به هم مخلوط می‌کنند .**

**آیت الله مددی : می‌گفت مخلوط عرض می‌کنم .**

**یکی از حضار : محمد علی را می‌گویند مندلی**

**آیت الله مددی : مندلی ، علی ای حال روشن شد اگر تیملی باشد مثل عبشمی است اگر تیمی باشد به جزء اول است ، مولی تیم الله من می‌خواستم ، میثمی باشد غلط است چون بعضی جاها میثمی چاپ شده است ایشان از اولاد میثم تمار نیست و این را هم عرض کردیم چند بار خود آن مرحوم اسمش میثم است اما این میثم بحرانی مِیثم است مِیثم‌های بعدی همه مِیثم هستند آن میثم اول میثم است . اشتباه نکنیم با همدیگر ، آن میثم اول میثم بن یحیی است تمار ، میثم تمار ایشان میثم هستند بقیه مِیثم این در لغت و ضبط لغت این طور گفتند .**

**علی ای حال چون ما دیگر درسمان کشکول مانند است همه چیز دارد ، تیمی هم می‌گویند به ایشان روشن شد ؟ حسن بن علی یا علی بن حسن تیمی ، علی بن حسن تیمی پسر ایشان است یا تیملّی می‌گویند یکی از این دو تا اما میثمی هم در بعضی از نسخ هست این غلط است این تحریف کلمه‌ی تیمی است تیمی را میثمی نوشته است و الا ضبطش تیمی است این هم راجع به فائده‌ی حال ایشان بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : و قال ابا عمرو**

**آیت الله مددی : نه بروید جلو له من الکتب بله ، خیلی ایشان تجلیلش می‌کند . بله بفرمایید . انصافا هم مرد بزرگواری است یعنی و از او عجیب تر فضل بن شاذان می‌گوید که آمد بغداد و من یک جوانی که 17 – 18 ساله بودم می‌آمد در اتاق ما مسافر خانه بوده دیگر در خان بوده برای من کتاب‌ها را می‌خواند کتاب‌های اصحاب را آن وقت این طاهر آل طاهر هستند در خراسان طاهر ذوالیمینین و اینها که والی خراسان بود گفت این دامادش فامیلش نمی‌دانم پسر عمویش آمد که خیلی شخصیت‌های بغداد و وزرا می‌رفتند دیدنش ایشان نرفت ، ایشان حسن بن علی ابن فضال نرفت و به دیدن من می‌آمد برای من کتاب می‌خواند من فهمیدم چقدر این مرد متدین است این از غایت تدین این مرد به دیدن آن شخصیتی که این همه می‌رفتند نرفت اما یک گوشه می‌آمد برای من کتاب می‌خواند برای من که جوان بودم کتاب‌ها را می‌خواند که اینها حفظ بشود خیلی واقعا زحمت کشیدند بینی و بین الله این آقای بنایی هم حالا مرتب مقید شده بیاید انصافا خیلی خون دل خوردند خیلی اهل بیت ، اهل بیت که حدی ندارد خون دل خوردنشان اما شیعه‌ها هم خیلی و این فضل بن شاذان می‌گوید من آن وقت فهمیدم که این غایت تدین این مرد است غایت تدین و ورع این مرد است که آن جا نرفت و نزد من آمد الی ان یقول له من الکتب**

**یکی از حضار : وله کتب الزیارات ، البشارات ، النوادر الرد علی الضالة**

**آیت الله مددی : عجیب است اینجا کتاب را تکرار نکرده است ، خلاف القاعده گفتیم ایشان کتاب را تکرار می‌کند این جا تکرار نکرده است خیلی عجیب است . شاید مجموع برای یک کتاب بوده ابواب یک کتاب بوده است شاید و الا ایشان کتاب را تکرار باید می‌کرد باید می‌گفت کتاب الزیارات کتاب البشارات توضیحش را دادیم این جا تکرار نکرده است . بفرمایید آقا**

**یکی از حضار : کتاب الرد علی الغالیة ، الشواهد من کتاب الله ، المتعة ، الناصب والمنصوب**

**آیت الله مددی : الشواهد من کتاب الله این همان مبنایی بود که یونس بن عبدالرحمن مطرح کرد که خبر را قبول نمی‌کرد می‌گفت خبر را با شواهد کتاب و سنت قبول می‌کند ، یکی از آن کسانی که پایه گذاری کرد برای مساله‌ی حجیت خبر و مناقشه می‌کرد و خبر را قبول نداشت لذا قمی‌ها با او خوب نبودند با یونس ، گفتند با یونس خیلی بد بودند دیگر نمی‌خواهم آن بدی‌هایش را بگویم آن دیگر خیلی زشت است آن کلمه‌ی زشتی است این را کشی آورده خیلی زشت است .**

**علی ای حال قمی‌ها انصافا با ایشان**

**یکی از حضار : فضل بن شاذان هم خوب نبود با یونس ؟**

**آیت الله مددی : نه فضل چرا فضل با یونس خوب است بعد هم به او می‌گویند او به شاگردش هم می‌گوید قلت ابا عبدالله ما اشد انکارک علی اهل الحدیث با محدثین گفت من از حضرت رضا شنیدم من برای خودم نیست من احادیث ، من شاگردان امام باقر و شاگردان امام صادق را دیدم از ایشان نوشتم بردم نزد حضرت رضا ، حضرت رضا انکار کردند فابی ان یکون اکثرها من حدیث ابی عبدالله یونس گفت برای من نیست من یک وقتی به حضرت رضا عرض کردم حضرت فرمود انا لا نقول قولا خالف قول ربنا او سنة نبینا این شواهد کتاب و سنت دقت کردید اصلا خود کافی بابی دارد باب الاخذ بشواهد الکتاب والسنة ، این یک طریقه‌ی تقریبا عقلائی در میان اصحاب تقریبا عقلائی نه مثل معتزله که خیلی بروند آن طرف ، عقل را با شرع با روایات معتبر با احادیث با آیات ، عقل را با هم ممزوج کردند مثل ابن ابی عمیر ، اینها روایات معقول روایات خوب روایات متن‌های خوب اسانید خوب مصادر خوب یعنی انصافا خیلی میراث‌های نقی دارند فضل از این هاست خود این حسن کتاب فلان شاید احتمالا رد بر یونس باشد چون یونس منشاء بود اصلا .**

**لذا مرحوم شیخ در ترجمه‌ی محمد بن عیسی می‌گوید یونسی ، بغدادی یونسی ضعیف ، این به خاطر یونسی بودن مضافا به اینکه به یونس نسبت داده شده بود که مثلا قائل به رویت و قائل به جسم و خدا را جسم و الی آخره در مسائل کلامی هم نسبت‌هایی به ایشان دادند در اصول هم نسبت دادند که عمل به قیاس می‌کرده است فکر نمی‌کنم ، قطعا باطل است این نسبت‌ها بفرمایید آقا . کتاب الرد علی الغالیة**

**یکی از حضار : الشواهد من کتاب الله ، المتعة ، الناسخ والمنسوخ ، الملاحم ، الصلاة ، کتاب یرویه القمییون خاصة**

**آیت الله مددی : ببینید ایشان ملاحم نوشته است ، وفاتش قبل از بخاری است بخاری هم در جامعش یک کتابش ملاحم والفتن است چون جامع است دیگر در خود کتاب بخاری الملاحم والفتن ، اسم یک باب است . بخاری متوفای 256 است ایشان متوفای 224 است سی و دو سه سال قبل از بخاری ، دقت کردید چه شد . این که مرحوم آقای سید حسن صدر یک کتابی دارد تاسیس شیعة الکرام لعلوم الاسلام یعنی این علوم اسلام را در اصل شیعه پایه گذاری کردند شما ببینید این کتابی را که بخاری نوشته و این همه برایش اهمیت قائلند اصلا مرحوم ، ملاحم را ایشان دارد سی و دو سال قبل از بخاری فوت کرده سی و دو سه ، سی و سه سال و یا سی و یک سال اگر 224 باشد ، ایشان قبل از بخاری فوت کرده مع ذلک کتاب به نام ملاحم داشته است خیلی عجیب است انصافا شیعه انصافا به خاطر راهنمایی‌های ائمه علیهم السلام خیلی قدم‌های بزرگی را برداشتند .**

**یعنی اگر ما بخواهیم بالقیاس بگیریم ما امروز باید ده تا مثل قطع‌نامه‌های سازمان ملل بنویسند این هم حوزه‌ی علمیه‌ی قم ما ده تا مثل یونسکو و یونیسف بنویسند واقعا دیگر اگر بخواهیم مثل بخواهیم مقایسه بکنیم با زمان آنها مثل ابن فضال نسبت به زمان خودش حتی خود فضل بن شاذان رسالة فی العلم دارد حقیقة العلم همین فلسفه‌ی معرفتی به اصطلاح ، فلسفه‌ی علمی اصلا ایشان کتاب دارد در قرن سوم بفرمایید آقا .**

**یکی از حضار : الصلاة کتاب یرویه القمیون خاصة عن ابنه علی عن الرضا فیه نظر**

**آیت الله مددی : خیلی دقیق است ، این همین است که در این خطبه‌ی شعبانیه است . مقدار زیادی‌اش فقط در صدوق آمده خیلی نجاشی مودبانه ، عرض کردم نجاشی خیلی مودب است ، در میان اهل سنت هم بخاری خیلی مودب است می‌گویند شدید ترین تعبیری را که بخاری دارد می‌گوید ترکوه رهایش کردند کذاب و وضاع نمی‌گوید اصلا بخاری کذاب و وضاع نمی‌گوید . در میان علمای ما هم نجاشی این طور است ببینید کتاب یرویه القمیون خاصة فیه نظر خیلی مودب است انصافا چرا چون مثل صدوق نقل کرده است منحصر به صدوق است صدوق از یکی از مشایخ قم نقل کرده از ابن عقده ، ابن عقده از ابن فضال پسر ، ابن فضال پسر از ابن فضال پدر از حضرت رضا، اشکالش هم این بود آن آقایی که جعل کرد اصولا ابن فضال پسر از پدرش نقل نمی‌کند می‌گوید عن اخویه عن ابیه .**

**چون می‌گوید من بچه بودم کتاب‌ها را بر پدرم خواندم بعد شبهه کردم دو مرتبه برای برادرم خواندم همان کتاب‌هایی که برای پدرش خوانده بود در این روایت دارد عن ابیه مستقیم ملتفت شدید ؟ ببینید یک دفعه‌ی دیگر بخوانید خیلی عجیب است ها و له کتاب**

**یکی از حضار : وله کتاب یرویه القمیون خاصة عن ابنه علی عن الرضا علیه السلام**

**آیت الله مددی : عن ابنه علی ، عن اخویه ندارد ، فیه نظر . دقت کنید خیلی عجیب است یعنی ما شاء الله انصافا خیلی مودبانه تعبیر به کار برده است یعنی قبول نمی‌کنیم یعنی جعلی است به اصطلاح لکن خیلی مودبانه به کار برده است ، بفرمایید .**

**یکی از حضار : اینجا اسم لیست کتاب‌ها تمام می‌شود بعد طرق را که می‌آید در طریق دوم می‌گوید که**

**آیت الله مددی : طریق اول را بخوان**

**یکی از حضار : اخبرنا ابا عبدالله بن شاذان**

**آیت الله مددی : این ابا عبدالله بن شاذان عرض کردم از علمای قزوین است آمده بوده یک سفر به عراق شیخ طوسی هم ایشان را ندیده هر جا ابن شاذان در نجاشی دیدید منفرد است ، یعنی شیخ طوسی آن طریق را ندارد ، از طریق ابن شاذان می‌آید به قم راه‌هایی که بغدادی‌ها می‌آیند به قم در اجازات این را هم چند دفعه عرض کردیم یکی از راه‌ها مثلا دیشب که گفتیم ابوالمفضل بود گفتیم ضعیف است یکی از راه‌ها آن حسن بن حمزه‌ی علوی مرعشی بود گفتیم صحیح است همین جور راه‌های متعدد است ، یکی از راه‌ها پسر ابن الولید است محمد بن احمد راه‌های متعددی دارند فهرست‌ نویس‌های بغداد این دو نفر شیخ و نجاشی به قم می‌آیند یکی‌اش ایشان است ابن شاذان است این منفردا نجاشی است . به نظرم نجاشی می‌گوید سال 390 یا 401 ایشان به بغداد آمده است شیخ هنوز به بغداد نیامده بوده است شیخ 408 بغداد می‌آید نه اینکه شیخ اشکال داشته اصلا شیخ بغداد نبوده وقتی ایشان بغداد آمده مرحوم شیخ بغداد نبوده است دقت کردید ؟ بفرمایید . ابن شاذان چون آقا ما بنا بود بعد شرح بدهیم حالا کم کم آشنا بشویم کیفیت کار یعنی اجازات را جور دیگر باید معنا کرد غیر از سند ، علی بن ابیه در کافی و یا در صدوق جور دیگر این جور دیگر است بفرمایید . اخبرنا ابن شاذان**

**یکی از حضار : حدثنا احمد بن محمد بن یحیی**

**آیت الله مددی : پسر محمد بن یحیی معروف است .**

**یکی از حضار : عن ابیه**

**آیت الله مددی : این محمد بن یحیی استاد کلینی است از اجلاء است خود احمد توثیق ندارد ، پدرش جزو اجلاء است بفرمایید .**

**یکی از حضار : قال حدثنا عبدالله بن محمد بن بنان عن الحسن**

**آیت الله مددی : عبد الله بن محمد بن بنان نه عبد الله محمد بنان بن ندارد دیگر ،**

**یکی از حضار : من در نرم افزار دارم دارد حالا در برنامه است**

**آیت الله مددی : بن دارد ؟**

**یکی از حضار : بله .**

**آیت الله مددی : غلط نوشته است . نه حتما اشتباه است عبدالله بن محمد بن عیسی اشعری برادر احمد اشعری عبدالله برادرش است این اسمش بنان است ، عبدالله بن محمد اسمش بنان است ، لذا بن بنان غلط است خود عبدالله است ایشان توثیق خاصی ندارد لکن ظاهر نشان می‌دهد ایشان به کوفه آمده چون ایشان شانش را که من تا حالا در روایات دیدم شان ایشان نقل میراث از عراق به ایران است به قم است اما توثیق ندارد برادرش خیلی مشهور است احمد ، احمد بن محمد بن عیسی ، اما عبدالله بن محمد بن عیسی برادرش الملقب ببنان این خودش ملقب ببنان است اشتباه نوشته است بن بنان اشتباه است ، بفرمایید. این کدام نسخه است نسخه‌ی آقای ؟**

**یکی از حضار : عرض کردم از برنامه می‌خوانم باید چاپی را دید چون**

**آیت الله مددی : نه حتما در چاپی نیست دیگر واضح است اشتباه نوشته است ، گفت شنونده باید خودش عاقل باشد .**

**یکی از حضار : این برنامه‌ها اشتباه تایپی دارد .**

**آیت الله مددی : می‌آید پیش می‌آید همه‌ی ما اشتباه می‌کنیم خود ما یک چیزی می‌نویسیم بعد می‌بینیم اشتباه است تصحیحش می‌کنیم چیز عجیب و غریب و شاخ داری نیست که بفرمایید . اخبرنا ایشان را ببینید**

**یکی از حضار : در چاپی هم همین است .**

**آیت الله مددی : همین برای جامعه‌ی مدرسین ؟**

**یکی از حضار : بله ، عبدالله بن بنان عن الحسن بکتابه الزهد ، واخبرنا ابن شاذان عن علی بن حاتم**

**آیت الله مددی : دقت کنید کم کم بروید جلو ، ببینید خود احمد راوی معروف کتاب حسن است ، خود احمد اسانید کافی خیلی زیاد است احمد الاشعری عن حسن بن علی بن الفضال ، برادرش هم رفته شنیده این نسخه‌ی برادرش است روشن شد ؟ تاریخ معلوم شد ؟ این نسخه‌ی برادرش است به لحاظ فنی مشکلش یکی احمد است ، خود عبدالله هم توثیق ندارد آن نسخه‌ی معروف هم نسخه‌ی احمد است مرحوم نجاشی دقت کردید چه شد ؟ توسع خود نجاشی بغدادی ، ابن شاذان قزوینی از قزوین رفت به قم بعد عبدالله آمد به کوفه کتاب کوفه را آورد به قم به ایشان اجازه داد این هم تاریخ . تاریخ و جغرافیای حدیث را هم برای شما عرض کردیم و درست هم هست تمام اینها درست است یعنی شواهد مویدش است . کاملا این شواهد موید است که این راه درست است این**

**یکی از حضار : قزوین ، قم ، کوفه .**

**آیت الله مددی : قزوین ، قم ، کوفه و بعد بغداد آخرش هم بغداد .**

**یعنی عرض کردیم یکی از عجایب این هم یکی از الطاف الهی به شما قمی‌هاست دیگر می‌گوید نجاشی عادتا باید مستقیم برود به کوفه چون بغداد است خوب برود به کوفه سی فرسخ است تا کوفه دیگر 180 کیلومتر است می‌آید دور می‌زند به قم از قم می‌رود به کوفه این به خاطر چه ؟ به خاطر اینکه قمی‌ها روی فهرست کار کردند . لذا توضیح دادیم کرارا در کوفه تولید علم بود در قم فهرست بود ، در خوارزم و ماوراء النهر هم رجال بود مثل کشی اینها سه طایفه .**

**یعنی این کتاب‌ها در کوفه موجود بود در قم تصحیح شد مرتب شد مثل همین کتاب‌های آقای خوئی کلا در قم چاپ مرتب کردند از چاپ نجف بهتر است همین که چاپ قم است تحقیقات و تعلیقات و اینها دارد بهتر از چاپ نجف است اینها آمد در قم تصحیح شد فهرست بندی شد لذا نجاشی که فهرست می‌نویسد می‌آید به قم و الا می‌تواند برود کوفه یعنی خوب اگر راه داشت می‌رفت به کوفه دیگر نمی‌خواهد این همه راه طولانی بیاید ، مستقیم می‌رفت به طرف کوفه بفرمایید.**

**یکی از حضار : این که خوب خواندم بعد کتاب بعدی‌اش را اخبرنا ابن شاذان عن علی بن حاتم**

**آیت الله مددی : این ابن شاذان قزوینی از علی بن حاتم قزوینی هم زیاد نقل می‌کند به هر حال می‌آید به قزوین از علی بن حاتم قزوینی زیاد نقل می‌کند بله بفرمایید .**

**یکی از حضار : عن احمد بن ادریس**

**آیت الله مددی : احمد بن ادریس از شخصیت‌های بسیار بزرگ قم ، گاهی مرحوم کلینی می‌گوید احمد بن ادریس گاهی می‌گوید ابو علی اشعری ، ابو علی اشعری همین احمد بن ادریس است یکی است .**

**یکی از حضار : عن احمد بن محمد بن عیسی**

**آیت الله مددی : این احمد اشعری است برادر عبدالله ، عن ابن فضال این نسخه کلینی از این زیاد نقل می‌کند .**

**یکی از حضار : عنه بکتابه المتعة وکتاب الرجال که کتاب الرجال برده بوده است**

**آیت الله مددی : ها کتاب الرجال عبدالله نقل است ، خیلی دقیق است نجاشی ، لذا کتاب الرجال شیخ طوسی را هم نیاورده است اینها تامل نکردند فقط در طریقی که احمد اشعری هست اسم کتاب رجال هست ، در آن طریقی که برادرش نقل می‌کند اسم کتاب الرجال نیست شیخ طوسی هم نیاورد و لذا ما احتمال بسیار بسیار قوی دادیم چون الان هیچ آثاری از آن که نداریم ما احتمال بسیار قوی دادیم که این کتاب الرجال در حقیقت کار خود احمد اشعری بوده است ، یعنی احمد اشعری آمده رجال و راویان ابن فضال را مرتب کرده استادش را ، طبقاتش را مرتب کرده است دقت کردید ؟ این کتاب برای خود احمد اشعری است لکن راجع به رجال استادش ابن فضال روشن شد ؟**

**اگر این احتمال باشد به فهرست اشبه است . مثلا گفته من که رفتم نزد ابن فضال کتاب فلان را از این راه نقل می‌کرد کتاب فلان از این راه اسم این شده کتاب الرجال روشن شد ؟ و لذا در فهرست شیخ هم اسمش نیست فقط در آنجایی که احمد اشعری است اسم این کتاب را آورده است دقت کردید ؟ آن آقا که گفتم خوب چون کار کرده بود تا نگاه کرد خیلی تعجب کرد گفت من اصلا توجه نداشتم گفت راست می‌گویی این مشکل دارد گفت من خیال می‌کردم کتاب رجال برای خود ابن فضال است گفتم نه این فقط در طریق احمد اشعری آمده این فایده‌ی طریق است شاید بگوییم خوب چطور شد علمای ما توجه نکردند چون حدود هزار سال است علما روی فهارس کار نکردند اصلا کار فهرستی نشده است از زمان علامه روی اسانید کار کردند اما روی فهارس کار نکردند این کار فهرستی است این غیر از کار سند است دقت کردید ؟ این هم یکی از فواید فهرستی که به ذهن ما می‌آید که این رجال را خود احمد اشعری نوشته و این کتاب در حقیقت مشایخ ابن فضال احمد اشعری جمع کرده است کتاب رجال به اصطلاح حسن بن علی بن فضال به ذهن من اینطوری است به هر حال فعلا اگر این به این تصوری که من کردم راست باشد این مورد دیگری است که درش رجال به معنای فهرست به کار برده شده است البته فعلا در اختیار ما نیست نه معلومات فهرستی از ایشان داریم نه معلومات رجالی .**

**یکی از حضار : نقلی هم در چیز نیست در فهرست از این کتاب نقل نیست**

**آیت الله مددی : بله از این کتاب نداریم . اصلا در کتب حدیث زیاد داریم احمد اشعری عن ابن فضال اما در فهرست نداریم احمد اشعری عن ابن فضال این را هم نداریم ، این هم راجع به این .**

**دو تا کتاب هست در رجال که اینها خیلی مبهم اند واقعش هم برای ما هنوز هم ، هم اسم مولف مبهم است هم کتاب یکی اگر داشته باشید همین چاپ جامعه مدرسین الحسن بن حسین العرنی ، بیاورید اگر دارید چاپی‌اش را بیاورید الحسن بن حسین العرنی با عین و راء این را در همان بحث‌های هفده شماره‌ی قبلی این هم متعرض شدیم لکن الان می‌خواهم سریع رد بشوم حالا الحسن بن حسین عرنی را بیاورید.**

**یکی از حضار : حسن بن حسین عرنی مدخل 111 ، چرا می‌فرمایید چاپش را بیاورم ؟**

**آیت الله مددی : بخوانید ، نه چون نکته‌ای دارد می‌گویم چاپش را بیاورید ، چون زیرش یکی دیگر هم هست آن هم همین طور است دو تا هستند پشت سر هم ، پشت هم نیستند یکی واسطه دارد ، 111 ، 113 را هم بخوانید ، 12 نه 13**

**یکی از حضار : صفحه‌ی 51 چاپ جامعه مدرسین .**

**آیت الله مددی : خوب بخوانید ؟**

**یکی از حضار : الحسن بن حسین العرنی النجار مدنی له کتاب عن الرجال عن جعفر بن محمد**

**آیت الله مددی : ببینید له کتاب عن الرجال عن جعفر ، اولا ما ایشان اصلا چنین چیزی در اسانیدمان نداریم حسن بن حسین عرنی ، اصولا ما مدنی کم داریم ، ایشان مدنی هم هست ، خیلی عجیب است ما روات مدنی چون مدنی‌ها شیعه نبودند همیشه عرض کردم مدینه اصولا فقه عمر و عبدالله بن عمر است اصلا با اهل بیت نبودند . اگر یک مقدار ما داریم مقدار معظمش برای خاندان مثل علی بن جعفر و فلان از خود خاندان بنی هاشم و نوفله‌ی بنی هاشم و اینهاست از خود خاندان بنی هاشم هستند .**

**این شخص آن وقت نکته‌اش این است که احتمال دارد له کتاب عن الرجال عن جعفر بن محمد عن ابی عبدالله اگر مرادش این باشد که کتابی نوشته از اصحاب امام می‌گفتند له کتاب عن رجال ابی عبدالله .**

**یکی از حضار : روایت از او داریم در کتب روایی**

**آیت الله مددی : داریم ؟**

**یکی از حضار : بله**

**آیت الله مددی : چند تا داریم ؟**

**یکی از حضار : مثلا در کافی عن الحسن بن حسین عرنی عن عمرو بن جمیع .**

**آیت الله مددی : همین یکی فقط ؟**

**یکی از حضار : نه باز هم هست ؟**

**آیت الله مددی : عجب من ندیده بودم خوب شد گفتید من خیال کردم نداریم .**

**یکی از حضار : اگر بخواهم عبارت دقیقش را خدمتتان عرض کنم در کافی سه تا داریم یکی جلد 3 ، جلد 3**

**آیت الله مددی : جلد 1 ؟ خوب اصول را ما غالبا نگاه نمی‌کنیم در اصول**

**یکی از حضار : نه جلد 3 عرض کردم چون در جلد 3**

**آیت الله مددی : خوب از ایشان چه کسی نقل می‌کند ؟**

**یکی از حضار : عبدالعظیم حسنی دوتایش راوی عبدالعظیم حسنی ، کافی هر سه عبدالعظیم حسنی است .**

**آیت الله مددی : آها می‌گویم چون عبدالعظیم نزد ما مشهور نیست ، من چون طبقه‌ی ایشان را نمی‌دانستیم حالا طبقه‌ی ایشان هم معلوم شد جزو اصحاب حضرت جواد و آنها باید باشد، عبدالعظیم حسنی . پس این تایید کرد که این باید فهرست باشد چون این را من ندیده بودم در ذهنم همیشه تبادر ، می‌دانید چرا دقت کنید اگر مرادش این بود که ایشان از اصحاب ابی عبدالله نقل می‌کند یا مگر نجاشی اشتباه نوشته باید می‌گفت رجال ابی عبدالله در همین نجاشی دارد کان من رجال ابی عبدالله ، این رجال ابی عبدالله را بیاورید اگر مراد اصحاب باشد عن الرجال عن جعفر ببینید عن دارد درش .**

**یکی از حضار : عن دارد عن جعفر**

**آیت الله مددی : خیلی عجیب است نمی‌گوید عن رجال جعفر ، عن الرجال عن جعفر ، یعنی سند دارد این رجال با واسطه است یعنی خود رجال مستقیما اصحاب امام صادق نیستند و الا می‌گفت عن رجال ابی عبدالله**

**یکی از حضار : در رجال ابی داوود خیلی منتشر شده حسن بن حسین حالا ضبط اسم را کرده النجار له کتاب عن الرجال عن قاف**

**آیت الله مددی : قاف یعنی صادق دیگر عن الصادق .**

**یکی از حضار : تعبیرش هم این است می‌گوید همان را تکرار کرده است .**

**آیت الله مددی : عن دارد کلمه‌ی عن آمده است . لذا احتمال ما می‌دهیم مخصوصا اگر در رتبه‌ی عبدالعظیم حسنی باشد و حضرت جواد و حضرت هادی باشد احتمالا فهرست مانند بوده است . من همیشه نمی‌دانستم این قضایا را در ذهن خودم با آن ارتکازات خودم می‌گفتم این نباید عن رجال باشد حالا عمرو بن جوید عن ابی عبدالله است اما این باید عن رجال عن ابی عبدالله یعنی این از افراد نقل می‌کند آن وقت کتابش این طور ، اگر بگوییم کتابش باشد مشیخه حسن بن محبوب است و الا ظاهرا این کتاب این طوری است مثلا عن فلان عن فلان عن الصادق ظاهرا کتابی که داشته کتاب فهرست مانند بوده کتابی که در اختیار ایشان بوده و احتمالا احتمالا شاید ما این اولین کسانی باشد که این جور کتاب عن الرجال عن ابی عبدالله داریم . چون بحثی که ان شاء الله فردا شب باذن الله تعالی دیگر شروع می‌کنیم بحث، دیگر این بحث چون امشب ختمش کردیم به این شروع می‌کنیم که آیا اصولا فهرست در بین اصحاب ما ریشه داشته یا همین تساهل بوده است .**

**یعنی ممکن است مستشرقین بگویند این شیعه‌ها برداشتند سند روایت را که مثلا به جمیل منتهی می‌شود گفتند این به کتاب جمیل آیا ما واقعا ریشه داشته اصلا خود فهرست ریشه داشته یا این فهرست من درآوری بوده سند بوده برداشتند گفتند این به کتاب جمیل این را ان شاء الله فردا شب و این ریشه‌های فهرست از کجاست اگر این مطلب احتمال باشد که این کتاب حالت فهرستی است اینها باید اوایل کتاب‌ها باشد به زمان حضرت جواد هم می‌خورد سال‌های 220 – 230 و اینها انصافا به این زمان‌ها می‌خورد اصلا من نمی‌دانستم عبدالعظیم کلا عبدالعظیم از ایشان نقل می‌کند ؟**

**یکی از حضار : خیر عرض کردم در کافی عبدالعظیم حسنی است در صدوق در امالی از او حدیث دارد یک دانه محمد بن حسن بن عباس الجعفر الخزاعی بعد در امالی یک حدیث دیگر دارد احمد بن یحیی از او نقل کرده است در کمال الدین یک حدیث دیگر دارد عن حسین بن حسن بن حیری**

**آیت الله مددی : حیری ، این تفسیر دارد تفسیرش را چاپ کردند قشنگ است .**

**یکی از حضار : در خصال حسن بن محمد از ایشان نقل کرده است .**

**یکی از حضار : به اسم تفسیر حبری هم گفتند بله**

**آیت الله مددی : بله .**

**یکی از حضار : باز دوباره در امالی با اینکه حسین بن حسن حیری دوباره نقل کرده است .**

**آیت الله مددی : آن وقت این خود حسن بن حسین از چه کسی نقل می‌کند ؟**

**یکی از حضار : من از اول شروع می‌کنم . در کافی اولش از علی بن هاشم عن ابیه عن ابی جعفر در اصول کافی .**

**آیت الله مددی : علی بن حسین ؟**

**یکی از حضار : علی بن هاشم عن ابیه عن علی بن جعفر .**

**آیت الله مددی : علی بن هاشم ؟**

**یکی از حضار : این جا نوشته علی بن هاشم برید باید باشد .**

**آیت الله مددی : خیلی خوب بعدی‌اش برای امالی است صدوق را**

**یکی از حضار : کافی دومین نقل عن غیاث بن ابراهیم است**

**آیت الله مددی : عن ابی عبدالله ؟**

**یکی از حضار : بله ، سوم عن عمرو بن جمیع عن ابی سلط ابا عبدالله است . در امالی از حدثنا عمرو بن ثابت عن عطاء ، این سند برای عطاء و ابی یحیی و ابن عباس در امالی حدثنا ابراهیم بن یوسف عن شریک عن منصور**

**آیت الله مددی : اینها که سنی هستند همه سنی هستند**

**یکی از حضار : در کمال الدین عمرو بن جمیع عن عمرو بن ابی المقدام عن جعفر بن محمد**

**آیت الله مددی : این باید درست باشد اگر این درست باشد عمرو بن جمیع مستقیم از امام صادق نیست از ابن ابی مقدام از امام صادق در کافی مستقیم از امام صادق است . این باید به نظرم درست باشد .**

**یکی از حضار : بعد در خصال از حسن بن حسین یا حدثنا یحیی بن مساوق عنع خالد عن زید ابی خالد**

**آیت الله مددی : بله ابی خالد واسطی عمرو بن خالد این هم نیست این ربطی به ما ندارد . به هر حال ایشان یک کتابی داشته با اینکه از سنی‌ها نقل می‌کند از طریق زیدیه نقل می‌کند یک کتابی داشته رجالی که عن الرجال عن ابی عبدالله**

**یکی از حضار : جابر هم دارد عن شیبة عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام ، در تهذیب هم چند تا سند داریم که در تهذیب هم هست**

**آیت الله مددی : بخوان .**

**یکی از حضار : در تهذیب هم از طریق عبدالعظیم حسنی است ، یکی‌اش عن غیاث بن ابراهیم عن ابی عبدالله**

**آیت الله مددی : نه در تهذیب**

**یکی از حضار : این برای کافی است بله برای کافی است .**

**آیت الله مددی : نه در تهذیب اول سندش کیست ؟**

**یکی از حضار : محمد بن یعقوب است .**

**آیت الله مددی : نه از خود تهذیب مستقلا**

**یکی از حضار : الان نگاه کنم مستقلا باشد ، بله یکی دارد محمد بن الحسن صفار ، عن الحسن بن علی بن نعمان عن الحسن بن حسین الانصاری عن یحیی بن معلی الاسلمی عن الهاشم بن برید . آنجا از علی بن هاشم عن ابیه بود اینجا شده هاشم خود هاشم قال سمعت زید بن علی یقول کذا**

**آیت الله مددی : این که معلوم نیست چیز باشد روایت باشد . دیگر ؟**

**یکی از حضار : بعد یکی دیگر در تهذیب محمد بن احمد بن یحیی عن موسی بن عمر عن الحسن بن حسین الانصاری عن الحسین بن زید عن جعفر علیه السلام**

**آیت الله مددی : این انصاری است ربطی به عرنی ندارد که**

**یکی از حضار : اینها این عرنی را یک انصاری گفتند همان عرنی است .**

**آیت الله مددی : نه ، نه ، نه . کسی دیگری است . نه اشتباه گرفتند من تعجب کردم من زیاد ندیدم .**

**یکی از حضار : آن عرنی‌های به جای خودش بود آن قبلی که خواندم عرنی بود**

**آیت الله مددی : بله عرنی ها درست بود آن ها قبول این که انصاری است نه ، این حسن بن حسین انصاری یک شرحی دارد حالا رهایش کنید چون دیگر از بحث خارج می‌شویم .**

**آن وقت این حسن بن حسین عرنی کتابی داشته تعبیرش عن الرجال عن ابی عبدالله احتمال می‌دهم چون کلمه می‌گفت عن رجال ابی عبدالله مگر کلمه‌ی عن زیادی نوشته شده باشد ، چون نجاشی خیلی دقیق است ، این شماره‌ی 111 بود ؟ 112 نه 113 را هم بخوان در نسخه‌ی چاپی**

**یکی از حضار : الحسن بن ایوب له کتاب اصل قال ابن الجنید حدثنا حمید بن زیاد قال حدثنا محمد بن عبدالله بن غالب عن الحسن بن ایوب ،**

**آیت الله مددی : شماره‌ی بعدی‌اش را بخوانید 114 شاید من اشتباه کردم .**

**یکی از حضار : الحسن بن حسین سکونی**

**آیت الله مددی : ها این حسن بن حسین سکونی ، آن یکی را اشتباه گفتم ، حالا این سکونی با آن یکی بعید می‌دانم با آن عرنی برای مدینه است این برای کوفه است بعید است یکی باشد بفرمایید .**

**یکی از حضار : عربی کوفی ثقة کتابه عن الرجال .**

**آیت الله مددی : کتابه عن الرجال . اگر این شبیه کار حسن بن محبوب بود می‌گفتم شبیه کتاب مشیخه‌ی حسن بن محبوب است ، این عن الرجال به نظرم می‌آید که چیز باشد یعنی واسطه‌ها را گفته است الحسن بن حسین سکونی به نظرم در**

**یکی از حضار : تعبیر عن الرجال در نجاشی جاهایی هم تکرار شده مثلا در ابان بن محمد دارد کتاب النوادر عن الرجال**

 **آیت الله مددی : نه آنکه عن الرجال نیست نه این نوادر است .**

**یکی از حضار : یک کتاب دیگری هم دارد در مورد حسین بن سیف می‌گوید له کتابان کتاب یرویه عن اخیه فلان ، خیلی ببخشید این**

**آیت الله مددی : این حسن بن حسین سکونی به نظرم در روایت نیست من با آن عرنی ، عرنی هم به نظرم بود در روایت نیست این هست ؟**

**یکی از حضار : جعفر بن عبدالرحمن کاظمی هم دارد نوادر له عن الرجال مثلا ، یا مثلا در مورد علی بن سیف بن عمیرة دارد له کتاب کبیر یرویه عن الرجال ، این یرویه را دارد .**

**آیت الله مددی : این عن رجال شبیه مشیخه می‌ماند اما این له کتاب عن الرجال به همان مقدار اکتفا کرده نه اسمی نه چیزی**

**یکی از حضار : یرویه و رواه را داشته در افراد دیگر**

**آیت الله مددی : آن وقت حسن بن حسین سکونی را هم طریق به او نوشته است فکر می‌کنم یکی‌اش طریق ندارد نه ؟**

**یکی از حضار : دارد ، اخبرنا احمد بن محمد قال حدثنا احمد بن محمد بن سعید قال حدثنا جعفر بن عبدالله بن محمد قال حسن بن الحسین السکونی به**

**آیت الله مددی : آها نه این احتمالا بعید است فهرست باشد این از طریق ابن عقده است احمد بن محمد بن سعید ابن عقده است و از طریق زیدیه هم هست احتمالا یعنی از طریق ما نباشد از عالم دیگری باشد این هم کتاب عن الرجال دیدم معلوم شد چند تای دیگر هم هست که من ندیدم .**

**علی ای حال یک شبهه‌ای برای ما شده که نکند اینها وقتی می‌نوشتند کتاب عن الرجال یعنی به این معنا که مثلا ما کان عن فلان فلان این طوری اسم می‌بردند یعنی مثلا احادیث جمیل را از این راه احادیث فلان را از این راه این طوری اسم بعید نمی‌دانم این طور باشد آن وقت بعید نیست که به اصطلاح چون عرض کردم در میان اهل سنت هم اصطلاح بود یک دفعه حدیث را به حسب طبقه‌ی اول می‌نوشت و دسته بندی می‌کردند به حساب به حسب مشایخ مثل مشیخه‌ی ابن محبوب این به حسب اول دسته بندی می‌کند مثلا کتاب جمیل تمام روایات جمیل را می‌آورد چون حسن بن محبوب از جمیل نقل می‌کند مثلا کتاب صالح بن رزین به حسب**

**یک عده‌ هم کتاب‌ها را به حسب آخر دسته بندی می‌کردند مثلا همین کتاب روایت جمیل می‌گوید روایت جمیل را اخبرنی فلان و فلان عن جمیل و اخبرنی فلان و فلان عن جمیل یعنی دسته بندی روایت گاهی به لحاظ راوی اخیر بود که اصطلاحا مسند به آن می‌گفتند مثل مسند احمد این به حسب راوی اخیر که صحابه عن رسول الله یک کتاب‌ها هم به حسب مشایخ بود طبقات المشایخ می‌گفتند این که کتاب‌ها بعید نیست که این کتاب‌ها شبیه فهرست بوده به این معنا یعنی اینها روایاتی را که منتهی به جمیل می‌شده می‌آوردند حالا از مشایخ مختلف می‌رسیده به جمیل عن ابی عبدالله عن الرجال عن ابی عبدالله دقت می‌کنید ؟**

**آن وقت این رجال مثلا جمیل عن ابی عبدالله، عمرو بن جمیع عن ابی عبدالله حالا یا با واسطه یا بی واسطه این طوری این شبیه فهرست بوده فهرست مصطلح ما نیست لکن شبیه فهرست است لکن تا آنجایی که من خبرد ارم چون حالا در ذهنم حضور ذهن ندارم نه این حسن بن حسین سکونی و نه حسن بن حسین عرنی در فهارس اصحاب نیستند خوب دقت کنید .**

**یعنی نجاشی یک کتابی را از طریق ایشان از اصحاب ابی عبدالله نقل کرده باشد در خود نجاشی یا شیخ این دو تا هم فقط نجاشی آورده شیخ اینها را نیاورده است ، حسن بن حسین عرنی و حسن بن حسین سکونی را فقط شیخ آورده و در روایات ما الان در ذهنم هست که نیست اما مع ذلک شاید باشد یعنی شاید مراجعه دقیق نبوده است .**

 **پس این مجموعه‌ی کتبی که احتمالا یا شبیه فهرست بودند یا خود فهرست بودند و از آنها تعبیر به رجال شده چون نجاشی خوب گاهی تصریح می‌کند به فهرست آن‌هایی که در جای خودش مشخص است آن وقت می‌رسیم به این مساله که آیا واقعا فهرست چه نکته‌ای داشته که پیدا شده بین اصحاب ما این توضیحش را ان شاء الله فردا شب عرض می‌کنیم .**

**وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین**